(اداره مرکزی)
(طهران فعلا کتابخانه شرافت)
(توزیع میشود)
(مدیر اداره صاحب امتیاز)
(حاجی سید اسمعیل سلطان المداحین)
ملاهفته یکمرتبه طبع و توزیع میشود
پس از دو ماه وجه اشتراک دریافت خواهد شد
شنبه ۵ ربیع الثانی ۱۳۲۵

(هو الله)

انصاف

قیمت یک نسخه در طهران صد دینار
سایر بلاد سه شاهی است
مکاتیب بدون امضا و تمرفه کافی و غیر
پست قبول نخواهد شد مکاتیب در صورتیکه
درج نشود یا نشود صاحبش حق استرداد ندارد

(وجه اشتراک سالیانه)
طهران ۸ هزار
بلاد داخله یکتومان
(ممالک خارجه)
ممالک عثمانی ۳۰ غروش ساق
روسیه و قفقاز ۲ منات
سایر ممالک خارجه ۵ فرانک
(قیمت اعلانات سطری یکقران است)
در صورت تکرار تخفیف داده میشود
مخارج پست همه جا بعهده اداره است

این روزنامه در کمال آزادی سخن از انصاف و بی انصافی میراند مکاتیب و لایحهٔ منصفانه که منافی با دولت و ملت نباشد قبول و درج میشود اخبار ولایتی و وقایع مهمهٔ که قابل توجه بوده باشد درج میشود

(طریق دولت مشروطه این نما داریم)

(اگر زجادهٔ انصاف یا برون نهی)

باواز بلند بمردمان با انصاف اهل مملکت عرض میکنم ای مردمان بی علم ایران ای برادران سادهٔ وطن

(این ره که میروید رو به ترکستان است)

می‌ترسم باین تندی که میروید خدای نخواسته پایتان بسنگ غفلت و جهالت بخورد از مقصود باز بمانید غیوری اهل ایران شجاعت و مردانگی این سامان معین و معلوم است کسی منکر نیست (ولی)

(هر سخن جائی و هر نکته مقامی دارد)

خداوند عالم که این نعمت عدل که عبارت از دولت مشروطه بوده باشد بما یکمشت ملت ستمکشیده عنایت فرمود بعضی از دزدان غدار و تردستان روزکار در کوشه و کنار کمین کرده‌اند که بهر شعبده باشد این نعمت را از دست ما بربایند و ما را باز مثل عبید مملوک اسیر ابنا ملوک بیچاره و مفلوک نمایند بعضی را بهر لباس شده وا میدارند که آتش فتنه و فساد را مشتعل سازند که شیرازهٔ امور بکلی کسیخته شود مردم بیچاره و مستاصل شوند خدای نخواسته تن بقضا داده دست غیر روی این کار بیاید اگر انصاف بدهید هر دو طرف از حدود مقدسه مشروطیت تجاوز نموده از این طرف سلب قدرت از سلطنت نموده و اطالهٔ لسان هر قدر دلشان میخواهد مینمایند تمام داد و فریاد شورش و بلوا حرکت وحشیانه سؤ ادب بوکلای محترم درست است هر کاری بسته باتفاق و مساعدت همدیگر است این برای اول وهله بود که بمقصود برسیم که الحمد لله رسیدیم حالا باید با آرامی و هوشیاری قدم بزنیم تا بسر منزل مقصود برسیم حرف حسابی که فحش لازم ندارد همت و غیرت نمودن داد و بیداد نمیخواهد مکر ما بغیر از شخص سلطان و وزرا قوهٔ مجریه دیگری داریم در مملکت در هر مملکتی از ممالک مشروطه که هست حکم از مجلس مقدس دارالشوری اجرا از طرف سلطان است محال است که بدون اتحاد دولت با ملت کاری پیش برود و امری دون اتفاق انجام بگیرد پس در این صورت چرا باید کاری کرد که قلب سلطان را از خودمان منزجر و متکدر نمائیم اگر انصاف بدهید امروزه باید صد درجه بیشتر از پیشتر سلطان خود را بستائیم از صمیم قلب وجود مبارکش را دعاگو باشیم برای اینکه

امروزه هیکل مقدسش بلباس مشروطیت آراسته وپیراسته گردید

کل بودو بسبزه نیز اراسته شد

سلطان اسلام که بود سلطان عادلهم کهشد اکر بکوئید ما ابداً باعث انزجار وانکدار قلب مبارك سلطان نشدیم بلکه خائنین امین نما قلب مبارکشانرا ازما منزجر نموده ماممیخواهیم سلطان ما سلطان سلاطین عالم وسربلند نزد تمام دول روی زمین باشد خائنین محض منفعت شخصی خود نمیخواهند کهسلطان ما سربلند وملت بمقام ارجمند برسند میکوئیم صدق‌است این مطلب ولی این‌طوری که شماها بطرف وزرا ومقربان سلطان تاخته اید اینهاهم البته فروکذار نمی کنند کسیکه یك عمر بزرکی ومالك‌الرقابی نموده محال است یك مرتبه از قوس‌صعود بقوس نزول بیاید شخصی که مدتها فرمان روا بودحال فوراً چطور فرمان بردار میشود حالا چرا بوده و چرا باید باشد را کنار بکذاران دور ان طور بود این دور باید این طور باشد (عفی‌الله‌عما سلف) بعینه مثل کسی است که مدتها عادت به اعمال و افعال غیر مشروع نموده باشد آیا ممکن است او را بقوهٔ قهریه فوراً از آن اعمال و افعال باز داشت یا باید به نصایح و مواعظ زبان خوش این عادت قبیح را از او سلب کرد

خداوند عالم که قادر علی‌الاطلاق است همینکه پیغمبر ما خاتم‌النبیین صلی‌الله علیه‌واله‌را مبعوث‌برسالت نمود ذات اقدس او را که رحمت محض و محض رحمت خلق فرمود مع ذلك تاکید می فرماید مردمی را که مدت‌ها بت پرست واهل هوی و هوس بودند بمواعظ حسنه ونصایح شافیه وزبان‌نرم بصراط مستقیم‌هدایت فرما(وقولوالهم قولالینا) پس دراین‌صورت بایدباحسن‌تدابیر و عالم دوستی و خیر خواهی این هائی که یکعمر بملاحظه نفع شخصی مملکت را ضعیف نموده اند آورد شان براه که همان طوری که دولت وملت را ضعیف نموده اند همت بنمایند غیرت بکارند به همدستی با ملت به ترقی و تعالی مملکت بکوشند و در این اخر عمرشان نام نیکی بکذارند

(کر بماند نام نیکی زادمی)
(به کز او ماند سرای زر نکار)

همین بلوا وشورشهای ولایات که محض بروز اغراض شخصی مغرضین ازطرفین است تمام باعث اختلال حواس حجج‌اسلام ووکلای محترم وتعطیل کارشده‌که‌دراین ضیق‌وقت و عدم‌فرصت ملاحظه‌الاهم‌فالاهم‌را نه نموده تمام‌بشورشیان و قصد مقاصد بلوائیان که تمام غرض محض و محض‌غرض است به پردازند بدرجه رسید که ناچار روزسه‌شنبه۲۳ را در مجلس عمومی جلوس نفرموده بمجلس خاص تشریف برده برای چاره این کار اکثریت ارا باین قرار کرفت که روز چهار شنبه ۲۴ ازهرشهری‌یك نفر وکیل از طهران سه نفر به تلکراف خانه بروند حضوراً باانجمنهای ولایات کفتکو کنند دستورالعمل مسکتی بدهندوازطرف وزیر داخله هم‌تلکراف بعموم حکام ولایات بشود که مدارا نموده ساکت وآرام باشند تا قانون اساسی ونظامنامه ایالتی برسد روز مذکور جناب رئیس با چهارده نفر وکلای محترم ولایات بتلکرافخانه تشریف بردند حضوراً باروسای انجمنها مذاکرات نمودند کهخلاصه مذاکرات وتلکرافات مبنی براین بود چون اخبار اغتشاش ولایات که بکلی سلب فراغت وامنیت خاطر ازامنای مجلس شورای ملی نموده است بی‌اندازه بتواتر وتوالی رسیده لازم‌بل‌الزم شد کهحضوراً به‌انجمنها واهالی اعلام نمائیم که مملکت ایران قرنها درتحت اداره مستبده بحالت ضعف وخرابی رسیده که همه میدانند تفضلات خداوندی درنفس آخر شامل حال ملت شده اساس مشروطیت که چارهٔ منحصر ودوای واحد این مریض مشرف‌بموت‌است برپاشدوباسم فقط مشروطیت هیچ دردی دوا نمی‌شود باید مجلس شورای ملی بصبر وتامل وسلامت فکر قوانین لازمه کهمایه سعادت ابدیه واصلاح مفاسد مملکت است وضع نماید

هیئت دولت که قوهٔ اجرائیه مملکت‌است ترتیبات و احکامات‌صحیحه‌انها را بموقع اجرا کذارد اما با نهایت تاسف دیده می شود کهجهل و غرض در اخلال‌مقاصد مقدسه اتفاق نموده هر روز قدمی در تخریب اساس مشروطیت جلوتر می کذارند

انجمنهای ولایتی و ایالتی که باید ناظر نظم و امنیت مملکت و تسکین هیجان عمومی شوند غالباً خودمهم افکار عوام کردیده که سهل‌است در وقوع اغتشاش تلکرافا به ولایات دیکر هم اطلاع داده هیجان‌اهالی جاهای دیکررا هم جلب می نمایند در صورتی که در دست نه قانون‌ونه حکومت نه اجرا دارند هم حاکم‌قضیه و هم مجری واقع می‌شوند

انچه دیده می شود از اکثر جاها اول خبر اغتشاش و بلوا رسیده بعد خود قضیه را اطلاع میدهند بکلی‌از حدود وظایف خود تجاوزنموده لهذا مجلس دارالشورای ملی از تراکم و تهاجم اخبار اغتشاش ولایات چنان بستوه آمده کهازادی تکلیف خود که وضع قوانین‌است باز مانده امروز خواست اراده قطعی خود را به تمام انجمنها و اهالی معلوم دارد که من بعد هیچ قسم هیجان عمومی و اغتشاشات کلی و جزئی را مجلس قبول نخواهد کرد ووکلای ملت حاضر نیستند که میل عوام‌الناس را که غالباً الت اجرای اغراض مختلفه‌است استقامت تکلیف خود را منحرف نمایند و ابداً خودرا مشغول این قسم هرج و مرج و شورش‌ها نخواهند کرد پس اهالی را فرض فوری‌است با تحملی که سالها داشته‌اند چندی‌هم بکذارند انتظام امور واصلاح خراب‌ها با مجرای طبیعت متحمل شود و الا مثل سابق نظم مملکت و اشکال هرج مرج به میات قهر و غلبه موکول خواهد ماند زیرا عموم انجمنها باید این نکته را بدانند برای اشخاصی که برضد این اساس مقدس هستند هیچ تدبیری مصیب تراز القاء هرج و مرج و تهیج فتنه در اطراف مملکت نیست

پس باید عقلای قوم نکذارند تدبیر مغرضانه مفسدین موثر شده و این احسان و عطیه خداوندی از دست‌رفته و در مقابل انتظارات تمام دنیا خود را به عدم قابلیت و استحقاق این نعمت بزرك خدا داد معرفی نموده بذلت سابقه خود عود نمائیم

(بقیه اتفاق و نفاق از نمره ۲)

بعد شخص باغبان سید را بکناری کشید کفت اقا بنده خیلی تشکر دارم کهمثل شما اقائی دراین باغ‌تشریف اوردید زیرا قدم مبارك شما مایه برکت و نعمت این باغ خواهد بود شما اقا زاده حقیقی ما هستید سفارش شمارا پیغمبر صم خیلی فرموده این ایه مبارکه مخصوص درحق شما وارد شده (قل لا اسئلکم علیه اجراً الی‌المودة فی‌القربا) رعایت شما بسیار لازم احترام شما واجب از پنج قسمت مال‌ما یك قسمت حق شماست ولی میخواهم بدانم این اخوند کردن کلفت چه‌حق دارد اکرزکوة و سهم امام و رد مظالم‌است که باید بمجتهد جامع‌الشرایط داد نه باین کونه اشخاص همینکه دو ماه مدرسه میروند درس‌می‌خوانند هنوزهررا از بر نفهمیده درفکراین‌است

بقیه در نمره آتیه

اخبار شیراز

در شماره دویم عرض کردیم بعد از اینکه صیت ظلم وبیداد قوام‌الملك شیرازی و دو پسرهایش آفاق عالم را پرنموده بلکه درصوامع ملکوت وعوالم جبروت‌مسموع کردید و کوشزد حضرات حجج‌اسلام موسسین این اساس مقدس نیك انجام و وکلای با حزم واحترام وخیر خواهان ملت حضرت خیرالانام کثرالله امثالهم کردید و تلکرافات متوالی متواتر متظلمین و متحصنین اهالی‌فارس در مجلس مقدس دارالشورای ملی شیدالله ارکانهم قرائت کردید که باعث دقت و رقت عموم مجلسیان و تماشاچیان کردید بلا استثنا همه‌اظهار نمودند که کی منکر ظلم و استبداد قوام‌الملك نیست خیانتها و شرارتها و دزدیهای او اظهر من‌الشمس‌است و متفقاً رای‌دادند بعزل و احضار قوام‌الملك نتیجه نوشته‌شد بحضور مبارك اتابك اعظم‌وزیر داخله عزل و احضار او و پسرهایش را خواستکارشدند جناب ٠ ٠ ٠ اتابك اعظم وزیر داخله هم جداً از طرف ملت و دولت اورا و پسرهایش را خواستند از انجائیکه یك عمر بمخالفت دولت وملت عادت کرده‌است تخلف و تمرد ورزیده بمسجد نو رفته جمعی را از اشرار و اطراف خود را بزور و رشوه بدور خود جمع نموده تفنکچی زیاد در معابر کذارده و سنکرها کرفته که من استعفا از کار میدهم ولی نمی آیم که در فارس بماند بیشتر ازبیشتر تحریك‌وتخریب فارس‌را بنمایدکمان کرده‌است که حکم مطاع مجلس مقدس دارالشورای ملی هم مثل سایر

احکامات پیش است که ناسخ و منسوخ داشته باشد یا برشوه دادن ممکن است ساحت مقدس این مجلس ملی منزه ازاین گفتگو و خیالات است ذلك الظن الذین کفروا عجب تر از این هنگامیکه شب دوشنبه آخر ماه که حضرات حجج الاسلام ووکلای غیور تبریز وطن پرست در تلگرافخانه بودند تلگرافی از فارس رسید که قوام الملك جمعی از اشرار و کسان خود را ملبس بالباس اهل علم نموده عمامه بر سرشان گذارده انوقت سفیر انگلیس را اورده که به بیند و ملاحظه نماید اینها همه علمای اعلام این شهر هستند که با من همراه و از من راضی هستند این تمهید بقسمی وصله ناهمرنگ بوده که خود سفیر ملتفت میشود که اینها چه اشخاص هستند زیرا در خارج خودش علماء را ملاقات نموده بود خصوص اجزاء سفارت خانه که میشناختند اسباب مضحکه واستهزائی درسفارتخانه فراهم اوردند اگر انصاف درمیان بوده باشد این مسئله چه قدر برمیخورد بر علمای ما چقدر مایه توهین است برای پیشوایان ما ازاین تخلف وتمرد قوام الملك از حکم مطاع مجلس مقدس دارالشورای ملی اسباب هیجان اهالی فارس در انجا گردید و در انجمن فارسیان مقیم طهران وعموم اهالی فارس که در طهران متظلمند اجتماعی فوق العاده نموده در خیابان نگارستان تمام اطراف مجلس مقدس را چادر زده دادخواهی دارند این رشته سر دراز دارد

عریضه ایست که اهالی کرمانشاهان بحضور مبارك علماء اعلام عتبات دام الله بطول بقائهم برای کسب تکلیف در خصوص مجلس مقدس شورای ملی نموده اند

حضور مبارك اقایان عظام حجج اسلام ایات الله تعالی بین الانام دامت ظلالهم عرضه میدارد البته خاطر مبارك اقایان از وضع مجلس شورای ملی کماینبغی مسبوق است که اساس ان بر اجراء احکام شرع مبین و صیانت مذهب حقه اثنی عشریه و رفع تعدیات خائنین و نشر عدل بین العباد و موجبات قوت وشوکت دولت اسلامیه درقبال اعادی دین است معذلك بعضی ازروی منافات این وضع بامقاصد اغراض شخصیه خودشان درمقام تحزیب ودرصدد تشویش وتشکیکند مستدعی که تکلیف عامه مسلمین را در این باب معین فرمائید تا رفع تشویشات بشود

(جواب عریضه اهالی کرمانشاهان از طرف علماء)

(نجف کثرالله امثالهم)

هوالعزیز تعالی شانه

(بسم الله الرحمن الرحیم)

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد واله الطاهرین واللعنة علی اعدائهم اجمعین الی یوم الدین بلی چون بحمدالله تعالی و حسن تأیید و بتوجهات مقدسه حضرت ولی عصر ارواحنا فداه اساس این محترم مجلس مقدس بر امور مذکوره مبتنی است لهذا بر هر مسلمی سعی و اهتمام در استحکام وتشیید این اساس قویم لازم و اقدام در موجبات اختلال ان محاده و معانده با صاحب شریعت مطهره علی الصادع بها واله الطاهرین افضل الصلوات والسلام و خیانت بدولت قوی شوکت است اعاذالله جمیع المسلمین عن ذلك

(محل امضاء حجج اسلام عتبات عالیات)

نعم هذالجواب من السؤال من مجلس الشوری الملی

(کان نائلا بنا حرره الاحقر الجانی)

(محمد کاظم الخراسانی)

الاحقر نجل المرحوم الحاج میرزا خلیل قدس سره

(من الاحقر عبدالله المازندرانی)

« بقیه حکایت عادة الانکلیسیه »

من اصلا رومانی هستم ومذهب من کاتولیکی است و مقیم انگلیس هستم وقتی که پدرم فوت شد خیلی کوچك بودم ومادرم بعداز مدتی مرد و من در وقت فوت مادرم بیست وسه ساله بودم و فوت مادرم دو سال قبل از قضیه که اتفاق افتاد و حال می نگارم بوده است پدر ومادرم متمول بودند و مال زیادی برای من که اولاد منحصر بفرد انها بودم گذاشتند که سود پول و املاك مستقلات من بسالی پنج هزار لیره انگلیسی میرسید و من جوانی بودم خوش ترکیب بلند قد بابنیه بسیار خوب و در چهره وترکیب هیچ نقصی نداشتم مگر ضعفی که بچشمهای من حاصل شد و اخرش منجر به نابینائی شده که هیچ نمیدیدم وروزرا ازشب فرق نمیگذاشتم و این مال ودولت ازبرای من بی ثمر مانده بود دارزوئی که داشتم بینائی بود حتی راضی بودم تمام ثروت مرا بگیرند و بینائی بمن بدهند (بقیه دارد)

(مطبعه شرقی) (بطبع رسید)

« اسمعیل الحسینی الکرمانشاهانی »